

نگرشی بر حقوق کودک از دیدگاه اسلام

دکتر بهرام محمدیان

در دو شماره گذشته "حق حضانت یا نگهداری طفل" به طور مبسوط بیان شد. اینک ادامه بحث از نظر گرامی تان می گذرد.

۸- حق بازی و سرگرمی

بازی با سرشت کودک عجین است و یکی از نیازهای طبیعی او به شمار می رود. بازی بزرگترین سرگرمی کودک، به ویژه در سالهای پیش از دبستان است.

با آنکه میل به بازی در سنین بالا روبه کاهش می گذارد و کارهای مهمی جای آن را می گیرد، ولی به اعتقاد برخی از روان شناسان تا سالهای پایان عمر نیز میل به بازی در انسان وجود دارد. شاید کودک دلیل بازی کردن خود را نداند و یا آنکه نتواند برای آن علتی بیان کند، ولی با این همه نمی تواند از بازی کردن دست بکشد. برخی از روان شناسان می گویند: "همان طور که کودک نیاز به آب و هوا دارد، نیاز به بازی و سرگرمی نیز دارد."^۱

متأسفانه برخی از بزرگترها (پدران و مادران یا معلمان و مربیان) به اهمیت بازی برای کودکان پی نبرده، آنها را از بازی کردن باز می دارند و فکر می کنند اگر کودکان در گوشه ای آرام بنشینند، برای آنها بهتر است. امروزه ثابت شده است کودکانی که به اندازه و به درستی بازی نمی کنند، از رشد ذهنی مناسب بی بهره اند و در بزرگی نیز منزوی و گوشه گیر می گردند. ویلیام استرن "می نویسد: "بازی گزینه ای برای رشد و نمو استعدادها و یا تمرین مقدماتی برای اعمال آتی است."^۲

خداوند نخستین دوره رشد انسان را با بازی توأم کرده است تا در ضمن بازی بتواند کار بزرگترها را تقلید کند، احساسات خود را بروز دهد و همچنین بیاموزد که چگونه عواطف و علائق خود را به موقع ابراز یا مهار کند. بازی علاوه بر توسعه ذهنی کودک، عقل اجتماعی او را نیز رشد می دهد و این امکان را برای او فراهم می کند که با حل مشکلاتی که در طول بازی با آن مواجه می شود، خود را برای حل معضلات جدی زندگی آینده آماده سازد. کودک به وسیله بازیهای دسته جمعی، راه همزیستی مسالمت آمیز، همکاری و همیاری با دیگران و رعایت حقوق آنان، مراعات نظم و قانون و دفاع از حق خود و مسؤلیت پذیری در مقابل دیگران را می آموزد. او هر قدمی که در بازی برای حل مشکلات و یا ایفای نقش مثبت برمی دارد، احساس خوشحالی می کند و نسبت به آینده بیشتر و بیشتر امیدوار می گردد.

لذا اسلام با توجه به این نیاز طبیعی دستور می دهد که کودکان را تا هفت سالگی آزاد بگذارد تا بازی کنند. امام صادق علیه السلام فرموده اند: "دَعِ اَبْنَكَ يَلْعَبْ سَنَةً و يُوَدَّبْ



صورت بازی کردن با فرزندانشان اقتدار یا متانت آنان خدشه‌دار خواهد شد و یا به عبارتی سبک خواهند شد. در روایات اسلامی داریم که پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر به بازی کودکان اهمیت می‌دادند که به هنگام سجده نوبه خردسالشان حسین علیه‌السلام بر پشت آن حضرت می‌نشیند تا از پیامبر سواری بگیرد. پیامبر (ص) آن قدر سجده را طول می‌دهند که برخی از صحابه نگران می‌شوند و بعد از نماز در توضیح طولانی کردن سجده می‌فرمایند: "إِنَّ ابْنِي قَدْ اِزْتَحَلَنِي فَكِرِهْتُ أَنْ اُعْجَلَهُ قَبْلَ أَنْ يَقْضِيَ حَاجَتَهُ" ۵

فرزندم مرا سواری خود قرار داده بود، ناپسند شمردم قبل از آنکه احتیاجش برآورده شود، او را با شتاب پایین بیاورم. در کتاب کودکیاری به نقل از "جوان کاس" ۶ نوشته شده است: "برای طفل بازی یکی از هدفهای زندگی است. او نمی‌تواند جز از طریق

سَبَّحَ سَتِينِ وَالزُّمَّةُ سَبَّحَ سَتِينِ" ۳
 "بگذار فرزندت تا هفت سال به بازی برود، در هفت سال ادوم [به تأدیب او همت بگمار و در هفت سال اسوم مراقب او باش. همچنانکه در روایتی آمده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله با جمعی از صحابه از جایی عبور می‌کردند، کودکان را در حال خاک بازی دیدند. برخی از صحابه خواستند آنها را از بازی کردن باز دارند، پیامبر (ص) فرمود: "دَعْهُمْ فَإِنَّ التُّرَابَ رِيعُ الصَّبِيَّانِ"
 آنها را بگذارید بازی کنند، که خاک محل پرورش کودکان است. ۴

اسلام علاوه بر اینکه از واپس زدن این تمایل نهی می‌کند، توصیه می‌نماید که پدران و مادران امکانات لازم برای بازی کردن کودکان را فراهم کنند و در هر موقعیت و مقام اجتماعی نیز که هستند وقتی را برای بازی با فرزندان خویش اختصاص دهند و خیال نکنند که در

نیز شرکت کنند، باعث تحکیم روابط و ایجاد الفت و نشاط بین آنها می‌شود و کودکان خردسال از بازی در حضور والدین بیشتر لذت می‌برند.

البته در بازی‌هایی که والدین حضور پیدا می‌کنند نباید اراده خود را به کودکان تحمیل نمایند، بلکه بهتر است اجازه دهند فرزندانشان آنان را به عنوان همبازی تلقی کنند. و چنانکه در روایتی از پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آمده است: "مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَضَابَّ لَهُ"^۸ "هر کس که کودکی نزد اوست، باید برای او کودک شود." یعنی رفتارهای کودکانه انجام دهد و خود را به صورت همبازی برای او در آورد و با او هم‌زبانی کند.

چه بازی‌هایی برای کودکان مناسب است؟ اگر اندکی در بازی‌های کودکان دقت کنیم، تنوع و گوناگونی را در آنها مشاهده می‌کنیم. با

بازی محیط اطراف خود را بشناسد و بر آن تسلط یابد و آن را اداره کند، نمی‌تواند خود را به عنوان انسانی دارای احساسات و قوه تفکر و تحرک باز شناسد و از عهده مقابله با سختی‌ها و مشکلات بر آید و یا خود را با تقاضاهای دنیای بزرگتر تطبیق دهد و روابط اجتماعی اکتفا کننده به وجود آورد.^۷

اگر پدران و مادران به بازی فرزندان خود توجه کنند، با روحیات و احساسات فرزندان خویش آشنا می‌شوند. زیرا کودک از طریق بازی کردن به بیان احساسات خود می‌پردازد و ترسها و نگرانی‌های خود را ابراز می‌کند و گاه برای بسیاری از مشکلات خود راه حل پیدا می‌کند. معمولاً آرزوهای بچه‌ها در گفت‌وگو با اسباب‌بازی‌های خود و یا در خاله بازی با همسالان علنی می‌شود که توجه به آنها و هدایت درست آنها در رشد و شکوفایی کودکان آثار مثبتی دارد. اگر در بازی‌های کودکان، والدین





وَالزَّيْمَاتِ^{۱۱} به فرزندانان شناگری و تیراندازی
بیاموزید.

در بازیهای جمعی، که معمولاً بچه‌ها از پنج
سالگی به این نوع بازیها روی می‌آورند، کودکان
با مقررات اجتماعی آشنا می‌شوند و ناخودآگاه
در داخل گروه بازی به تقسیم کار،
مسئولیت‌پذیری، صبر و پایداری برای رسیدن
به هدف و رعایت حقوق دیگران تن در
می‌دهند. البته در این نوع بازیها والدین و مربیان
وظیفه دارند در انتخاب همبازی مناسب دقت
کنند و به صورت غیر مستقیم بر بازی آنها
نظارت داشته باشند.

در بازیهای حرفه‌ای معمولاً بچه‌ها از نقش
بزرگترها تقلید می‌کنند و خود را همانند پدر یا
مادر و یا افراد دیگر که صاحب تخصص و
مهارتی هستند، قرار می‌دهند. کودکان با
استفاده از اسباب بازیها و حرکات و رفتار خود،
نمایش کارهای جدی بزرگان را بازی می‌کنند.
نکته دیگری که در خاتمه این بخش
یادآوری آن را لازم می‌دانم، در مورد اسباب

تغییر سنّ و رشد جسمی و فکری کودک
بازیهای او نیز شکل‌های مختلف به خود
می‌گیرد. اما در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان
برای بازیهای کودکان عناوین و اهدافی را تعیین
کرد:

- ۱- بازیهای ورزشی
- ۲- بازیهای فکری
- ۳- بازیهای اجتماعی
- ۴- بازیهای حرفه‌ای و فنی
- ۵- بازیهای خیالی
- ۶- بازیهای رقابتی^۹

هر یک از این بازیها آثار و نتایجی دارد که
مجموعاً برای پرورش استعدادهای جسمانی و
روانی کودک مفید است. در بازیهای ورزشی و
حرکتی ضمن تقویت عضلات، انرژیهای کودک
به مصرف می‌رسد و در تأمین سلامت جسمی
او اثر می‌گذارد. در برخی از روایات اسلامی به
نمونه‌ای از این بازیها اشارت رفته است. مثلاً
در روایتی از قول پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وآله آمده است: "عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّيَّحَةَ

وظایف دیگر موجب بروز مشکلات دیگری می‌گردد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: "لَا يُفْلِحُ مَنْ وَلَّهُ بِاللُّغَبِ وَاسْتَهْتَرَ بِاللَّهْوِ وَالطَّرْبِ"^{۱۲} هر کسی که دلدادۀ بازی و سرگرم لهو و خوشی باشد، سعادت‌مند نمی‌شود.

۹- حق تربیت و آموزش

تعلیم و تربیت در دیدگاه اسلامی همراه و قرین هم هستند. شاید این دو را بتوان در ذهن از هم جدا انگاشت، ولی در عالم خارج هر آموزشی، تربیت خاص خود را به‌دنبال دارد و در تربیت نیز نوعی آگاهی و آموزش نهفته است و برخلاف آنچه مصطلح شده، مربی و معلم دو عنوان جدا برای دو نفر نیست. همچنانکه پیامبر (ص) در کنار "بُعِثْتُ لِاتِمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ"^{۱۳}، "بُعِثْتُ مُعَلِّمًا"^{۱۴} فرموده‌اند. اما آنچه در باب حقوق کودک، به‌طور مشخص باید اشاره کنیم، حق تعلیم و تربیت اوست.

در متون اسلامی ضمن اینکه به جایگاه علم و دانش آموزشی به‌طور عمومی فراوان اشاره شده است، به‌صورت مستقل نیز تعلیم و تربیت فرزندان مورد توجه واقع شده و بر آن تأکید شده است. مثلاً در روایتی از امام علی علیه‌السلام وارد شده است که فرمودند: "حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ ثَلَاثَةٌ: أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ، وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ"^{۱۵}

حق فرزندان بر پدر سه چیز است: نام نیکو برای او انتخاب کند، او را به نیکی ادب کند و به او قرآن بیاموزد.

یا در روایتی دیگر، از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند: "الْفُلَّامُ يُلْعَبُ سَنَعِ سَنِينٍ وَيَتَعَلَّمُ الْكُتَابَ سَنَعِ سَنِينٍ وَيَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ"

بازیهای کودکان است. در تهیه و خرید اسباب بازی کودکان باید به جنبه‌های مختلف توجه شود. تهیه اسباب‌بازیها باید هدفدار و منطبق با نیاز کودک و متناسب با ویژگی‌های رشد او باشد. اسباب بازی باید ضمن سرگرم کردن کودک، دقت، تفکر و توجه کودک را تقویت کند و توان بدنی یا فکری او را افزایش دهد. اسباب‌بازیهایی که کودک بتواند در آن دخل و تصرف کند و نوعی ابتکار و ابداع را موجب شود، بسیار مناسب است. بالاخره پدران و مادران باید برای کودکان بازیهای سالم و آموزنده برگزینند و به آنها یاد دهند که چگونه وسایل بازی خود را بسازند و از نیروی ابداع و ابتکار خویش استفاده ببرند. از بازیهای مخرب و آزار دهنده‌ای همچون ترقه‌بازی، بازی با آتش یا ... نیز باید جلوگیری شود.

آیا زمان بازی محدود است؟

با آنکه گفتیم بازی نیاز دوره کودکی است، این بدان معنا نیست که کودک برای همیشه بازی کند. والدین و مربیان باید به نوعی برنامه‌ریزی کنند که در دوره نوجوانی و جوانی به تدریج وظایف و مسؤولیتهای جدی‌تر جای بازی و سرگرمی را بگیرد. زیرا از دیدگاه صاحب‌نظران علوم تربیتی، دوران بازی کودک دوره کارآموزی موقت کودکانه و مقدمه‌ای برای اشتغال به کارهای جدی‌تر است.^{۱۱}

چنانکه در روایات اسلامی وارد شده است، باید از هفت سالگی به بعد تأدیب و تعلیم فرزندان نیز جزو برنامه او قرار گیرد و طبیعتاً به همان اندازه که وقت کودک در آموزش رسمی سپری می‌گردد، از وقت بازی او کم می‌شود. افراط در بازی و یا نپرداختن به



وَالْحَرَامَ سَنَعِ سَنِينَ^{۱۶}

(لازم است) طفل هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد و هفت سال مقررات زندگی و حلال و حرام را یاد بگیرد.

با توجه به همین موارد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت را موظف ساخته است که وسایل آموزش و پرورش را برای همه فرزندان کشور فراهم آورد. نص صریح اصل قانون چنین است: "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد." ^{۱۷} بنابراین از طرفی دولت وظیفه دارد تا پایان دوره متوسطه امکانات آموزش و پرورش رایگان را حتی در اقصی نقاط کشور فراهم کند، و از طرف دیگر اولیای اطفال نیز می‌بایست با استفاده از

امکانات فراهم شده نسبت به تحصیل علم و دانش و یا فراگیری آموزشهای حرفه‌ای اقدام کنند. به همین منظور در قانون برنامه دوم توسعه کشور پیش‌بینی شده است در جاهایی که امکانات آموزش و پرورش فراهم شده، تحصیل کودکان اجباری است و هرگاه پدر و مادر مانع ادامه تحصیل کودک شوند، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. بنابراین نمی‌توان با دستاویزی از قبیل فقرخانوادگی، نیاز به دستمزد کودک، دوری راه خانه و مدرسه و ... کودکان را از تحصیل بازداشت.

به موجب قانون "کلیه اطفال و جوانان ایرانی که واجد شرایط تحصیل هستند باید بدون هیچ‌گونه مانعی به تحصیل بپردازند و هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را از تحصیل بازدارد، جز با مجوز قانونی." ^{۱۸} همچنین در این قانون آمده است: "تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، هر یک از پدر و مادر یا

سرپرست قانونی کودک و نوجوان کمتر از هیجده سال که قانوناً مسؤول پرداخت مخارج زندگی او می باشد و با داشتن امکانات مالی از تهیه وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل در محلی که موجبات تحصیل دوره ابتدایی و راهنمایی از طرف آموزش و پرورش فراهم شده باشد، امتناع کند یا به نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری کند، به حکم مراجع قضایی که خارج از نوبت رسیدگی خواهند کرد به جزای نقدی از ده هزار ریال تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهند شد.

اصول کلی آموزش و پرورش از نظر اسلام

الف) آموزش و پرورش همگانی است: از دیدگاه اسلام، تعلیم و تربیت خاص طبقه یا جمعیت و گروه و یا نژاد و قوم معین و یا زن و مرد نیست. بلکه آموختن دانش را به عنوان یک حق و تکلیف همگانی می شمارد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده اند: " طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ، أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاءَ الْعِلْمِ ".

هرگاه پس از ابلاغ حکم، پدر یا مادر یا سرپرست به تکالیف مقرر در حکم دادگاه اقدام ننمایند یا پس از اجرای حکم مجدداً کودک یا نوجوان را از تحصیل باز دارد، به یک الی سه سال حبس و تأمین هزینه معاش و تحصیل

سرپرست به تکالیف مقرر در حکم دادگاه اقدام ننماید یا پس از اجرای حکم مجدداً کودک یا نوجوان را از تحصیل باز دارد، به یک الی سه سال حبس و تأمین هزینه معاش و تحصیل



پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله می فرمایند: "أَطْلَبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ"^{۲۲} از گهواره تا گور در پی دانش باشید.

روان‌شناسان نیز بر این عقیده‌اند که کودک از آغاز ولادت، از محیط اطراف خویش می‌آموزد و این قابلیت در او هست که بتواند جهان اطراف خود را بشناسد و یا اینکه با توجه به ویژگی‌های رشد خود آموزش ببیند. البته آنچه در این مقام یادآوری آن لازم است، اینکه در همهٔ کودکان سن آموختن رسمی یکسان نیست و باید به برخی از نکات دیگر نیز توجه کرد که درجای خود ذکر شده است.

ج) آموزش و پرورش تابع محدودهٔ جغرافیایی نیست: از دیدگاه اسلام آموختن دانش به اندازه‌ای ضروری است که مسلمان نمی‌تواند به دلیل دوری از مرکز علم و دانش از آموختن سرباز زند و پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله شاید با گفتن این جمله که: "أَطْلَبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ"^{۲۳} - در پی دانش باشید، هر چند در چین باشد، خواسته‌اند عذری برای کاهلان و راحت‌طلبان در آموختن دانش باقی نگذارند و از سوی دیگر به اهمیت آن توجه دهند که حتی برای علم و دانش باید سرزمینها را در نوردید و از خستگی و دوری راه نهراسید. و دیگر اینکه علم و دانش گمشدهٔ مؤمن است، حتی اگر آن را در سرزمینهای غیراسلامی نیز بیابد، باید در پی آن باشد.

اولویتهای تعلیم و تربیت اسلامی

اولویت در تعلیم و تربیت اسلامی از غایت و هدف آموزش و پرورش در اسلام ناشی می‌شود و آنچه به‌عنوان یک هدف عمومی در

دانش آموختن بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است، آگاه باشید که خداوند دانش‌پژوهان را دوست می‌دارد.

در نظام تربیتی اسلام، کسب آگاهی و شناخت برای هر فرد به‌عنوان مقدمهٔ ایمان شخصی و اجتهادی به اندازهٔ توانایی عقلی لازم است و به‌همین دلیل تحصیل دانش به‌عنوان یک امر واجب در میان مسلمانان مطرح شده است. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در تشویق و تحریض مسلمانان به آموختن دانش چنین می‌فرماید: "أَيُّهَا النَّاسُ اِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ. أَلَا وَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجِبَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ"^{۲۱}

ای مردمان بدانید که دین هنگامی کامل و درست است که علم بیاموزید و بدان عمل کنید. آگاه باشید که تحصیل علم واجب‌تر از تحصیل مال است.

تأکید و تکیه بر این نکته را لازم می‌دانم که در روایات اسلامی در آموختن دانش فرقی بین زن و مرد و دختر و پسر وجود ندارد. اگر چیزی به‌عنوان تفاوت یاد شده، رشته‌های آموزشی خاص است که پسر یا دختر در آموختن آن به دلیل ویژگی‌های جنسی، روانی و عاطفی در اولویت قرار دارند.

ب) آموزش و پرورش محدودیت زمانی ندارد:

در دیدگاه اسلامی، شروع آموزش و پرورش به زمانی خاصی موقوف نشده، بلکه فراگیری و آموزش و پرورش را از آغاز ولادت کودکان میسر دانسته است، همچنانکه برای آن نقطهٔ پایانی به‌لحاظ سنی نمی‌شناسد و آموختن را در سن و یا مرحلهٔ خاصی از عمر متوقف نمی‌سازد.



نظام تعلیم و تربیت اسلامی می‌توان بدان اشاره کرد، "تربیت دینی نسل" است. مراد از دین، مجموعه تعالیم و دستورهای است از جانب خداوند که نگرش و بینش انسان را برای تنظیم وظایف و روابط او با نظام هستی اعم از طبیعت، خود، خانواده و دیگران، شکل می‌دهد و او را در ایفای آنچه در زندگی دنیوی و اخروی بایسته و شایسته است، یاری می‌رساند. لذا دین ناظر به همه شؤون زندگی انسان است و تربیت دینی یعنی شکوفا سازی استعدادها و توانایی‌های درونی انسان با روش و برنامه و الگو و هدفی که دین مشخص و معین می‌کند و مآلاً به ظهور انسان مؤمن که فقط بنده خداست و از قید دیگران آزاد است، می‌انجامد.

با توجه به طولانی بودن این بحث، ادامه آن را به شماره آتی واگذار می‌کنیم. امید آنکه در ادامه بسامان آن توفیق پیدا کنیم.

منابع:

- ۱- مجله الفیصل، شماره ۲۳، صفحه ۹۴، به نقل از مقاله یونیسف و سال جهانی کودک.
- ۲- به نقل از کتاب کودک، صفحه ۲۳۱، دکتر جلالی
- ۳- وسایل الشیعه، جلد ۱۵، صفحات ۱۹۴-۱۹۵، شیخ حرعاملی
- ۴- مجمع الزوائد، جلد ۸، صفحه ۱۵۹، هیثمی
- ۵- سنن نسایی، جلد ۲، صفحه ۲۳۰
- ۶- JOAN CASS
- ۷- کودکیاری، صفحه ۷۰-۷۱، گروهی از دانشمندان
- ۸- وسایل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۲۱۳، شیخ حرعاملی

- ۹- اسلام و تعلیم و تربیت، جلد ۲، صفحه ۲۰۸ تا ۲۱۲، آیت الله ابراهیم امینی
- ۱۰- فروع کافی، جلد ۶، صفحه ۴۷، شیخ کلینی
- ۱۱- اسلام و تعلیم و تربیت، جلد ۲، صفحه ۲۲۱، آیت الله ابراهیم امینی
- ۱۲- غررالحکم، صفحه ۸۵۴
- ۱۳- من برای تکمیل مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام.
- ۱۴- من معلّم برانگیخته شده‌ام.
- ۱۵- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۱
- ۱۶- فروع کافی، جلد ۶، صفحه ۴۶، شیخ کلینی
- ۱۷- اصل سسی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۸- قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی، ماده یک، مصوب مردادماه ۱۳۵۳
- ۱۹- مدرک سابق، ماده ۴
- ۲۰- معالم الدین، صفحه ۹، ابن‌الشهید الثانی
- ۲۱- منیة المرید فی آداب‌المفید و المستفید، صفحه ۹، شهید ثانی
- ۲۲- مدرک سابق